

مقاله پژوهشی
اصل
Original
Article

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع)

زهرا خیراللهی^۱

چکیده

هدف: جایگاه منبع اخلاق و ارزشهای انسانی، زیر چتر اخلاق قرار داشتن همه ساحت‌های زندگی بشر و گره‌گشایی اخلاق از معضلات گوناگون اخلاقی، کاوش و ارزیابی آثار و تجلیات اخلاق را ضرورت می‌بخشد. رسیدن به قله‌های مرتفع اخلاق و کرامت انسانی، کار سهل و ساده‌ای نیست. به توفیق ربّانی، معرفت، بلندای همت، عزم پولادین و اراده‌ای همچون کوه راسخ و استوار نیازاست. شکی نیست که معرفت و شناخت، اهرم نیرومندی برای ایجاد انگیزه و حرکت در فراسوی اخلاق و عبور از بحرانهاست. **روش:** رویکرد این نوشتار، به روش تحلیلی توصیفی، بررسی ارزشهای انسانی و آثار اخلاق در پرتو مدیریت بحرانهای روحی، با محوریت سخنان امیرمؤمنان علی(ع) بوده است. **یافته‌ها:** توجه به مبانی نظری اخلاق در سخنان امام علی(ع) که بر چند اصل استوار است، در ساختن جامعه‌ای عاری از رذایل اخلاقی و ارتقای فرهنگ مدیریت نفس و اراده و برخورداری از ابتلا به آلودگی‌ها و گناهان، تأثیرگذار است. **نتیجه‌گیری:** این رهیافت، گویای پژوهشی نوین برای بیان این نکته است که ارزشها و اخلاق شایسته، عالی‌ترین سرمایه‌ای است که خدای مَنان برای انسان مقدر فرموده است و با معرفت به آن و با ارائه راهکارهای اساسی، فرد می‌تواند در دنیای مملو از تضاد و تراحم و بحران، این ارزشهای الهی را به منصّه ظهور برساند.

واژگان کلیدی: امیر مؤمنان(ع)، اخلاق، ارزش، مدیریت، بحران، آرامش.

❖ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

۱. استادیار دانشگاه پیام نور، گروه علوم قرآن و حدیث. تهران، ایران. نمابر: ۰۲۱۶۵۵۷۷۶۷۰ /

zkheirolahy@pnu.ac.ir

الف) مقدمه

آثار و تجلیات اخلاق، یا اخروی است یا دنیوی؛ دنیوی یا فردی است یا اجتماعی؛ فردی یا ارزش ذاتی دارد، نظیر لذت، یا ارزش غیری دارد، نظیر آرامش و آسایش و آثار اجتماعی نیز یا عاطفی است یا روحی و روانی؛ عاطفی، نظیر محبوبیت و مقبولیت اجتماعی و روانی و روحی، نظیر عزت و سرافرازی در اجتماع.

از هنگامی که حضرت آدم(ع) پا به عرصه وجود گذاشته، اصول اخلاق و کرامت انسانی برای نوع بشر مطرح بوده است. خاستگاه اخلاق، فطرت انسان است؛ بدین سان هیچ جامعه و شخصیتی، در هر پایه و مقامی، بی نیاز از رعایت اصول اخلاق نیست. همین امر باعث شده که «فلسفه اخلاق و علم اخلاق» در طول تاریخ، پیوسته شادابی و طراوت خود را حفظ کند. رعایت اصول اخلاق، کار ساده‌ای نیست. از این رو، نیاز شدید به ریاضت نفس دارد تا به صورت ملکه و خلق و خو درآید. با این وصف، اگر انسان نفس را به حال خود رها کند و دست از ریاضت نفس بردارد، نفس سرکشی کرده، از کنترل خارج و دچار معضلات اخلاقی و بحران روحی و روانی خواهد شد. چه زیبا تشبیه کرده است حضرت عیسی(ع)، آنجا که می‌فرماید: باید ارزشهای اخلاقی را بر خویشتن تحمیل کرد و نفس خود را با هر سختی و مشقتی وادار به رعایت اصول اخلاق کرد؛ وگرنه به محض آنکه نفس انسان خود را یله و رها دید، دچار قساوت شده، از صراط مستقیم به بیراهه کشیده خواهد شد(حرانی، ۱۳۶۳: ۵۰۶). در اینجا نقش عزم و اراده قوی و مدیریت نفس سرکش، بارز خواهد بود. نفس انسان، راحت طلب است. بعد حیوانی، سخت مقاومت می‌کند. انسان در سرایشی خواب راحت، تفریح و لذت و ارضای شهوت است و تمایلات انسانی به طور قهری او را بدان سمت و سو می‌کشاند. مولای متقیان(ع) می‌فرمایند: «اكره نفسك على الفضائل، فان الرذائل انت مطبوع عليها»؛ نفس خویش را بر فضائل و ارزشها وادار کن وگرنه میل و رویکرد طبع انسان به رذایل خواهد بود.(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۷)

همان‌طور که می‌بینیم، امام(ع) تمایل طبیعی انسان را به سمت رذایل می‌داند. اگر عزم و اراده قوی شد، بعد حیوانی و جسمانی انسان تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. پس باید دانست که اخلاق، امری ارادی و تغییرپذیر است و تحت تأثیر عوامل مختلف، متحول می‌شود؛ از جمله ارشاد و جملات ناصحانه، تیرگی و غبار را از دل زدوده و بر قلبهای قابل و پذیرا تأثیر بسزایی خواهد داشت. بر همین منوال است که مولی الموحدين علی(ع) می‌فرمایند: «الْمَوَاعِظُ

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۱۹

صَقَّالُ النَّفُوسِ وَ جَلَاءُ الْقُلُوبِ؛ وعظ و ارشاد، نفس را صیقل زده و قلبها را جلا می‌بخشد. (همان: ۲۲۴)

۱. مبانی نظری

تاکنون درباره اخلاق، مطالعات گوناگونی انجام شده است. کلام امیرالمؤمنین(ع)، به خصوص در نهج البلاغه نیز به عنوان یکی از منابع مورد وثوق همه فرق اسلامی که زمینه‌های اخلاقی در آن موج می‌زند، بارها مورد توجه اندیشمندان اخلاق پژوه در حوزه اخلاق عملی بوده است.

اما از موضوعات مغفول در این میان، مباحث نظری ظهور ارزشهای انسانی در پرتو مدیریت بحرانهای اخلاقی در کلام امام مولی الموحدين(ع) و میزان تأثیر آنها بر کرامتهای فردی و اجتماعی است. لذا هدف اصلی تحقیق حاضر، تحلیل مبانی نظری اخلاق از دیدگاه امام علی(ع)، به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر مدیریت بحرانهای اخلاقی در بزنگاهها و دوری از ضد ارزشها به منظور اصلاح فرد و جامعه است. در جهان معاصر، معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی، لذت گرایی و سود گرایی مادی است. دعوت انسانها به ارزشها و فضایل والای انسانی و مبارزه با نفس اماره، بر اساس این ملاکها توجیه اخلاقی پیدا کرده‌اند. ریشه این بحران اخلاقی، غفلت از ساحت غیر مادی و فضایل فطری او و عدم توجه به خدا و تعالیم پیامبران الهی است. راه برون رفت از این بحران نیز آن است که بار دیگر آدمی به خود رجوع کند؛ زندگی را منحصر به این دنیا نداند و رشد و تکامل اخلاقی و معنوی خود را در عمل به تعالیم پیامبران الهی بداند. در این صورت می‌تواند مکارم و فضایل را به اوج خود برساند.

۲. روش پژوهش

رویکرد کلی این مطالعه، کیفی از نوع تحلیل مضمون و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است.

ب) یافته‌ها

مبانی نظری اخلاق در سخن امام علی(ع)، بر چند اصل استوار است؛ از جمله اعتقاد به خداوند و حکیمانه بودن نظام تشریعی او، یقین به معاد و ثواب و عقاب اعمال، توجه به دنیا به عنوان وسیله‌ای برای ساختن آخرتی سعادت‌مند نه به عنوان غرض غایی و توجه به کرامت

ذاتی انسان و دوری از هر چیزی که کرامت ذاتی را مخدوش کند. توجه به این مبانی، در ساختن جامعه‌ای عاری از رذایل اخلاقی و در نتیجه، ارتقای فرهنگ مدیریت نفس و اراده بر خودداری از ابتلا به آلودگی‌ها و گناهان، تأثیرگذار است.

دو نتیجه کلی بر این تحقیق مترتب بوده است: نخست اینکه، مبانی بنیادین اخلاق نظری نهج البلاغه و کلام امام که بر دیگر شاخه‌های اخلاقی سایه افکنده، چهار مبنای اساسی خدا، انسان، دنیا و آخرت است که ایشان با توجه دادن انسان به این مبانی با دو رویکرد ایجابی و سلبی، اخلاقیات عملی و آثار آنها را تبیین می‌کند. نتیجه دوم آن است که مدیریت بحرانهای ناشی از آلودگی‌های اخلاقی و پابندی مردم به مبانی ذکر شده توسط امام، ارزشهای انسانی و معنوی را متجلی کرده و این فرهنگ را به طور چشمگیری در جامعه نمایان می‌کند و از پناه بردن به الگوهای اخلاقی فرهنگ غرب و فرهنگهای التقاطی می‌رهاند.

۱. تعریف بحران

واژه بحران به معنای آشفتگی و تغییر حالت ناگهانی مریض است که منجر به بهبودی یا مرگ شود (قریب، ۱۳۶۰: ۱۴۶). بحران، پیشامدی است که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث به وجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنشهای گسترده می‌شود و آسیبها، تهدیدها، خطرهای و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد.

بحران‌شناسی، بخش مهمی از فرایند مدیریت بحران و پژوهشهای مربوط به آن را تشکیل می‌دهد. شناخت هرچه دقیق‌تر بحران، همچون هر حوزه مدیریتی دیگری، به کنترل و هدایت هرچه مؤثرتر آن کمک کرده، مدیران بحران می‌توانند با تفکیک تفصیلی مسئله پیش رو، آن را مدیریت‌پذیر کنند (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۲). شاوون مک کارتی می‌گوید: بحران، وضعیتی است که نظم سیستم اصلی یا قسمتهایی از سیستم‌های فرعی را مختل کرده، پایداری آن را بر هم می‌زند. به عبارت دیگر؛ بحران حادثه‌ای است که در اثر رخدادها و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می‌آید و سختی و خسارت را به یک مجموعه یا جامعه انسانی وارد می‌کند و برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد. (مک کارتی، ۱۳۸۱: ۴۵)

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۲۱

اما در تعریف اخلاق باید گفت: اخلاق به عنوان مجموعه قواعد مشترکی که کنشها و رفتارها را در جهت خیر اجتماعی، منظم و پیش‌بینی می‌کند؛ یکی از بنیانهای اساسی نظم اجتماعی است. اکنون این نظم اجتماعی در جوامع مختلف با تهدید مواجه شده است. جامعه‌شناسان از چنین وضعیتی، به عنوان «بحران اخلاقی» و آنومی نام می‌برند. (فریبرز بیات و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴)

با توجه به نکات مزبور و اهمیت زائد الوصف اخلاق در سرنوشت انسان، این نوشتار به ارزیابی و بررسی برخی از آثار و ارزشهای انسانی در پرتو مدیریت بحران اخلاقی اجتماعی و فردی در کلام امام علی(ع) خواهد پرداخت.

۲. محبوبیت اجتماعی

یکی از تجلیات اخلاقی که در پرتو مدیریت صحیح وضعیت ناپایدار و گرفتاری‌های اخلاق اجتماعی از جمله تندخویی و خشونت، عبوس بودن، تعدی به حقوق دیگران و ... برای افراد به وجود می‌آید، محبوبیت اجتماعی است. انسان موجودی عاطفی است و در هر شرایط و سنی که باشد، نیازمند عواطف و محبت دیگران است تا بتواند با بلندای همت، در راستای تعالی خویش گام بردارد. در غیر این صورت، خشونت می‌تواند منجر به بحرانهای اجتماعی زیادی از جمله آزار و اذیت دیگران و حتی قتل شود. الکسیس کارل می‌نویسد: هر انسانی جنس و سن و وضع اجتماعی‌اش هر چه باشد، احتیاجات عاطفی دارد که ارضای آنها برای ایفای وظیفه‌اش ضروری است (کارل، ۱۳۴۴: ۱۲۵). موجودیت و هستی انسان، رهین سرمایه عواطف و چگونگی آن است که میزان قدرت و ناتوانی انسان را مشخص می‌کند.

جاذبه اخلاق همچون آهن رباست؛ تأثیر سحرآسایی بر دلها دارد و انس و الفت قلبها و اعتبار اجتماعی انسان را به همراه خواهد داشت. امیر مؤمنان(ع) فرمودند: «من حسن خلقه کثر محبوه و انس النفوس به»؛ کسی که اخلاق نیکو داشت، دوستدارانش فراوان شده و مردم با او انس و الفت بیشتری برقرار می‌کنند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۵) و در عبارت زیبا و سکرآورد دیگری، رمز محبت را نرمخویی دانسته، می‌فرمایند: «من لانت عریکته وجبت محبته»؛ کسی که نرمخو بوده و از خشونت و تندی با دیگران برحذر باشد، محبت او واجب و ضروری خواهد بود. (همان: ۴۱۷)

در جای دیگر، رمز محبوبیت اجتماعی را این گونه تشبیه فرموده است: «من لان عوده کثفت اغصانه»؛ کسی که درخت وجودش نرم شده، شاخ و برگ وجودش فراوان و سایه‌اش

گسترده‌تر خواهد بود! (همان: ۴۱۴). گرچه چهره زیبا و یوسف گونه داشتن، نعمت بزرگی است و به تعبیر مولای متقیان (ع)، چهره زیبا اولین گام سعادت انسان است: «حُسْنُ الصُّورَةِ أَوَّلُ السَّعَادَةِ» (همان: ۳۲۵)؛ ولی آنچه انسان را توأم با آن چهره زیبا، صدیق ساخته و از فرش به عرش می‌رساند، اخلاق خوش و زیبای یک فرد است. آنچه حضرت یوسف (ع) را شخصیت و محبوبیت اجتماعی بخشید، فراتر از زیبایی ظاهر، زیبایی باطن آن بزرگمرد بود. از این رو، در سوره یوسف از زیبایی ظاهر آن حضرت (ع) فقط یک جا، آن هم با زبان کنایه یاد شده است: «قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ» (یوسف: ۳۱)؛ گفتند حاش لله! این کجا و بشر کجا؟ این جز یک فرشته بزرگوار نیست! سایر آیات درباره علم و معرفت، عفاف، عفو و گذشت، کرامت اخلاق و سوز دل و مهربانی‌های آن مرد بزرگ است.

عزیز مصر به رغم برادران غیور ز قعر چاه برآمد به اوج جاه رسید

(حافظ، ۱۳۷۲، شماره ۲۴۲)

جامعه بشری شیفته اخلاق زیباست. مردم در پی اکسیر محبت، خوش‌زبانی، ادب، امانت، وفا، عفاف، سخاوت، شجاعت، صبر و شکیبایی، شرح صدر و اغماض می‌باشند. آنچه در اجتماع کارساز است و می‌تواند اهداف جمعی را پیش ببرد، انس و الفت با دیگران است؛ وگرنه کسی که عبوس و گرفته است و نمی‌تواند با دیگران با مهربانی و نرم‌خویی رابطه صمیمی برقرار کند، یک فشارزایی ویژه برای خود ایجاد می‌کند که باعث واکنشهای گسترده می‌شود و سرمنشأ هیچ خیر و برکتی نخواهد بود. بر همین اساس، مولای متقیان (ع) می‌فرماید: «لا خیر فیمن لا یألف ولا یؤلف»؛ کسی که با دیگران انس و الفت و رابطه‌ای برقرار نمی‌کند و اجازه نمی‌دهد که دیگران با او انس و الفت برقرار کنند، وجودش سرمنشأ هیچ خیر و برکتی نخواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۱۷۵)

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود بحران اخلاقی مربوط به اجتماع که در نتیجه عدم رعایت وفاداری و امانت و عفاف و صبر و تندخویی و خشونت و ... ایجاد می‌شود و متأسفانه دنیای امروز شاهد آن است، با مدیریت بجا و صحیح آداب اجتماعی کرامت اخلاق، اثر معجزه‌آسایی در قلوب مردم به جا خواهد گذاشت. نکته دیگر اینکه، اخلاق زیبا چشمها را خیره خود ساخته و قلبها را مفتون و مسحور خویش می‌سازد و منشأ برکات کثیر می‌شود. جذب دوستان باارزش نیز هنر والایی است و کمتر کسی به چنین توفیقی دست می‌یابد. اما مهم‌تر از آن، نگهداری دوستان باارزش و سرنوشت‌سازی است که انسان توفیق

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۲۳

یافته آنان را جذب کند و این مهم جز در سایه حسن تدبیر، نرمخویی و اخلاق زیبا میسر نمی‌شود.

۳. بحران معنوی و تأثیر اخلاق اجتماعی و فردی بر سرای جاودان

ظهور کمال نهایی در نتیجه ایمان راستین به خدا و درایت و مدیریت بحران معنوی که ناشی از مشکلات روحی روانی مانند اضطرابها، فشارهای روانی، روان‌پریشی، افسردگی‌ها و پوچ‌گرایی و بی‌معنا بودن زندگی است، در جهان دیگر حاصل می‌شود. برخی تصور می‌کنند که حقیقت زندگی در سرای دنیا است و فضایی گسترده‌تر و عظیم‌تر از این دنیا وجود ندارد. بر این باورند که هرچه خوشی و لذت است در پرتو همین دنیا میسر است: «وَلَكُمْ يَوْمَ الْآلِ الْآخِرَةِ الدُّنْيَا» (نجم: ۲۹). بنابر این، از رفتن به سرای جاودان در هراس‌اند؛ ولی وقتی انسان به سرای آخرت منتقل شد، بر تصور خام خویش می‌خندد. در این فراز، به بررسی برخی از شواهد روایی پرداخته، تأثیر اخلاق نیک و باکرامت در سرای آخرت که نتیجه مدیریت بحرانهای روحی- روانی و نفس سرکش در دنیا است، مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

امیر مؤمنان(ع) درباره نیکنامی دنیا و آخرت می‌فرمایند: «زِدْ فِي اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَاکْثِرْ مِنْ اسْدَاءِ الْإِحْسَانِ فَانَّهُ ابْقَى ذَخْرًا وَاجْمَلْ ذِكْرًا»؛ بر رفتار نیک و شایسته خویش بیفز و احسان و نیکی را در حق دیگران افزون ببخش، که چنین رفتاری، پایدارترین ذخیره سرای آخرت شده و پاداش الهی توأم با نیکنامی را به همراه خواهد داشت (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۸۴) و فرمودند: هرچه در توان دارید بکوشید در خوش رفتاری با دیگران، که بهترین زاد و توشه‌ای است که برای روز رستاخیز ذخیره ساخته‌اید. (همان)

آنچه از سرافرازی و سعادت دنیا و نیز آنچه از پاداش و بهشت برین در قیامت نصیب انسان می‌شود، همه در پرتو زیبایی اخلاق و اخلاص خواهد بود. حضرت مولی‌الکونین، علی(ع) می‌فرمایند: «مَا أَعْطَى اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْعَبْدَ شَيْئًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحَسَنِ خَلْقِهِ وَحَسَنِ نِيَّتِهِ» (همان: ۹۲)؛ قرب و منزلت به ساحت بزرگان دین(ع) و پیامبران الهی، افتخاری است که نصیب هر کسی نخواهد شد. این فخر و سرافرازی، ویژه کسانی خواهد بود که در سایه زبان پاک، امانت و اخلاق زیبا و احسان و نیکی به هم‌نوعان را عنوان صحیفه خویش ساخته‌اند. نقطه مقابل این صفات، زبان تند، بد اخلاقی‌ها، خیانت در امانت و ظلم به هم‌نوعان است که می‌تواند جایگاه انسان را تنزل دهد.

نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي عَدَا...»؛ نزدیک‌ترین شما به من در سرای دیگر و سزاوارترین شما در شفاعت، کسی است که راستگوترین و امین‌ترین افراد بوده و دارای زیباترین اخلاق و نزدیک‌ترین کس به مردم باشد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶: ۳۸۱). بنابر این، با توجه به اینکه در سرای دنیا نعمتها و نعمتها توأم با یکدیگرند، هر لقمه‌ای بدون استخوان گلوگیر نیست و هر جرعه بدون غم یافت نمی‌شود. رفتار نیک و احسان به دیگران و زیبایی اخلاق و نیت پاک، شایسته‌ترین گنجی است که خیر دنیا و عقبا در آن نهفته است.

نکته دیگر این است که شفاعت، قرب و منزلت در ساحت پیامبران الهی و بزرگان دین، در قیامت از آن کسانی خواهد بود که ضمن قرار گرفتن در گرفتاری‌ها و موانع ارزشی، به مدیریت این گرفتاری‌ها پرداخته و فرایند صداقت و امانت را با کرامتهای اخلاقی توأم ساخته و سحاب رأفت و رحمتشان بر سر مردم سایه افکنده است.

۴. آرامش در پرتو اخلاق نیک

یکی از مظاهر مدیریت و رام کردن نفس سرکش، آرامش است. تردیدی نیست که انسان امروز با بحران اخلاقی مواجه است و رذایل اخلاقی که امروز تبلیغ و ترویج می‌شود، مثل می‌گساری و همجنس‌بازی، تعدی به حقوق دیگران، بی‌هدف بودن، تکیه‌گاهی غیر خدا داشتن و...، آرامش را از زندگی انسان گرفته‌اند؛ چون انسان و هویت و فطرتش چنین مواردی را اقتضا نمی‌کند. لذا انسان تشنه آرامش خاطر و آسایش در زندگی است.

رابرت اچ. بورک می‌گوید: دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، در تاریخ آمریکا بی‌نظیر است؛ زیرا آشفتگی‌های اجتماعی ناشی از بالا رفتن درصد جنایات و پایین آمدن درصد مجازات، افزایش درصد تولد نوزدان نامشروع که به کمک سیستم رفاه اجتماعی دولتی به رشد می‌رسند و افزایش درصد جدایی‌ها و طلاقها در اثر ناسازگاری و نابسامانی‌های خانوادگی، به همراه تراژدی‌های شخصی، این دوران از تاریخ آمریکا را از دیگر دورانها متمایز می‌سازد. (بورک، ۱۳۸۳: ۳۵۱)

چه سرمایه‌های عظیمی در این راه مصرف می‌شود تا بشر بتواند با بودن در آسودگی خاطر، به دور از رنج و محنت و مسائل و انگاره‌های آزاردهنده روح و جان، زندگی خوش و آرامی داشته باشد. در سایه آرامش و آسایش است که انسان می‌تواند استعدادهای نهفته خویش را کشف و به نیروی لایزال خویش پی ببرد. فطرت، قلب و روح انسان، اقتضای کدام امر را دارد؟ رمز و راز آسایش در زندگی کدام است؟ تحقیقات حکما و اندیشمندان

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۲۵

علوم انسانی و متون کتب آسمانی و سخن پیشوایان بزرگ مذاهب و ادیان، همه و همه، بشر را به رفتار نیک و اخلاق زیبا دعوت کرده‌اند و با گلبانگ رسا می‌گویند: آرامش و آسایش در پرتو اخلاق زیبا میسر است.

بر اساس یافته‌های پژوهش تقی غیائی در مقاله «بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج‌البلاغه»، از منظر نهج‌البلاغه از دو ساحت مهم فرامادی می‌توان نام برد که به نحوی با روح ارتباط دارند و بیانگر حقیقت وی می‌باشند؛ یکی «فطرت» است که مایه پیونددهنده انسان با خدا و لایه زیرین جان آدمی و سرشت او به شمار می‌رود و دیگری «قلب»؛ حقیقتی متعالی و مرکزی در وجود انسان که هم کارکرد شناختی و اندیشه‌ای دارد و هم کارکرد احساسی و عاطفی، و می‌تواند منشأ همه صفات عالی و ویژگی‌های انسانی باشد؛ چنانکه می‌تواند منشأ سقوط انسان و رذایل وی باشد (غیائی، ۱۳۹۷: ۱۸). با توجه به اینکه انسان بین دو بی‌نهایت سقوط، که همان بحران اخلاقی است و بی‌نهایت صعود قرار دارد؛ فطرت و روح پاک انسان که به معبود خود عشق می‌ورزد، می‌داند اگر به تعهدی که با خدی سبحان دارد وفا کند، خدای سبحان نیز به عهده‌ی که با او بسته وفادار خواهد بود. چنین باور و گرایشی اجازه نمی‌دهد انسان به جای سخاوت و قناعت و سایر صفات عالی، شخصیت خود را به بخل، جبن، حرص و... و آنچه منشأ سقوط می‌شود، آلوده سازد؛ لذا به دنبال راههای امن برای مدیریت بحران اخلاقی و رسیدن به آرامش و کمال خواهد بود. امام علی(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به این مطلب تصریح فرموده است. قرآن مجید نیز به همین نکته اشاره کرده و می‌فرماید: «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام» (مائده: ۱۶)؛ پیروان خشنودی و رضایت پروردگار توسط رهنمودهای قرآن به سبیل سلام و راههای امن توأم با آرامش و آسایش هدایت خواهند شد.

هیچ گنجی، بی‌دد و بی‌دام نیست جز به خلوتگاه حق، آرام نیست

(مولوی، ۱۳۷۹، دفتر دوم)

از دکتر «کارل مینجر» روان‌شناس معروف پرسیدند: شما برای کسی که دچار شکست روحی و سرخوردگی شده است چه توصیه‌ای دارید؟ پرسشگر تصور داشت که ایشان خواهد گفت به مشاوران روان‌شناس مراجعه کند. ولی ایشان در جواب گفت: لازم است این شخص در شهر بگردد و نیازمندانی را پیدا کند و نیاز آنان را برطرف سازد و پی کار خود برود. بدین ترتیب، او از ذهنیات و افکار منفی خود بیرون آمده و تغییر می‌کند (شیو،

۱۳۹۰: ۸). بنابر این، افزون بر لذتی که از رفتار شایسته و باکرامت به انسان دست می‌دهد، این امر موجب دوری از عوامل روان‌پریشی و رشد شخصیت انسان شده، روح انسان را آرامش و صفا می‌بخشد.

یکی از عواملی که زندگی را برکام انسان تلخ و توأم با رنج و محنت می‌سازد، درگیر شدن با دیگران است. عدم مدیریت رذایلی مانند مشاجره لفظی، پشت سر از همدیگر به زشتی یاد کردن و موضع‌گیری‌های تند، ایجاد کینه و انتقام می‌کند. امام(ع) می‌فرماید: «سوءُ الْخُلُقِ نَكَدُ الْعِيشِ وَ عَذَابُ النَّفْسِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۴). ولی با حُسن خلق و مدارا در معاشرت، می‌توان از این دشمنی‌ها کاست و از زندگی، بهشت برین ساخت؛ که فرمودند: «ارضی الناس من کانت اخلاقه رضیه»؛ آرامش توأم با رضایت خاطر، از آن کسی خواهد بود که اخلاق رضایت‌بخشی داشته باشد و همه از صفای اخلاق او حظ ببرند (همان: ۲۵۴) و در جای دیگر می‌فرماید: «بحسن الخلق یطیب العیش»؛ با اخلاق نیک است که انسان، زندگی توأم با آرامش را برای خویش رقم خواهد زد. (همان: ۲۵۵)

در قرآن مجید هم می‌خوانیم: بدی را با نیکی جبران کن، که در آن صورت خواهی دید همان کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم صمیمی شده است، اما جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند و جز کسانی که بهره‌عظیمی از ایمان و تقوا دارند، به این مقام نمی‌رسند (فصلت: ۳۵-۳۴). گویی امیر مؤمنان(ع) عنوان «هی احسن» در آیه مزبور را چنین توضیح می‌دهند: «أَحْمَلُ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). آنچه از فرمایش امام قابل درک است، این است که دوری، خشکی، درشتی، جرم و خلاف و برخورد نابجا با این خصلتها، آرامش را از فرد و جامعه می‌ستاند و بر اهل فن پوشیده نیست که واکنش حکیمانه و حسن تدبیر در این امور چه نقش زیبایی ایفا می‌کند.

مولای متقیان(ع) در عبارت موجز و رسای دیگری می‌فرماید: «من حسنت مساعیه طابت مراعیه»؛ کسی که مساعی و کوشش نیکو و دلپذیر داشت، زندگی پاک و آرامی در انتظارش خواهد بود (نهج‌البلاغه، ۱۵۳) و در بعد سلبی اخلاقی می‌فرماید: «من ضاقت ساحته، قلت راحته»؛ کسی که با منفی‌گرایی و تنگ‌نظری با مسائل زندگی برخورد کند، راحتی و عیش نیکویی نخواهد داشت. (همان: ۲۴۶)

عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی که نتیجه‌اش آرامش است، در مقاله «نظام تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه» چنین آمده است: «آنچه در تربیت اخلاقی مهم است، تشخیص این عوامل

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۲۷

مؤثر است و نهج البلاغه برای طرح تربیت اخلاقی آنها را معرفی کرده که عبارتند از: محیط خانواده، معاشرت، کار، اقتصاد، ایمان، تقوا، عبادت، ابتلا و آزمایش، مراقبه و محاسبه، تذکر و مطالعه تاریخ» (خیرالهی، ۱۳۹۳: ۱۴۷). در این بخش، نگارنده به ترسیم نمودار بر اساس خطبه‌ها و کلام امام در نهج البلاغه پرداخته و تحلیلی از خطبه‌های ۱۲۸، ۱۹۸، ۱۱۰، ۱۹۲، حکمت ۳۹۹، نامه ۳۱ و ... ارائه داده است. آنچه از این فراز استنباط می‌شود، این است که تمام این عوامل بر آرامش روحی و روانی که انسان امروز به شدت به آن نیاز دارد و امام علی(ع) بر آنها تأکید می‌فرمایند، مؤثر بوده و راه را برای مدیریت نفس و رسیدن به کمال و سعادت می‌گشاید.

شواهد مزبور بیانگر نکات فراوانی است که به اهم آنها اشاره می‌شود: آرامش و آسایش، جلوه‌ای است که نقش بسزایی در پیگیری اهداف عالی و تکامل انسان خواهد داشت. با حسن تدبیر در زیبایی‌های اخلاقی در زندگی، به دور از مکاره و تلخی‌ها، آرامش جسم و جان انسان تأمین خواهد شد و تنگ‌نظری در اخلاق و به همه چیز با دید منفی نگریستن، آرامش روح و جان انسان را مختل خواهد کرد. در نتیجه، انسان را به بحران معنوی مبتلا خواهد کرد. متقابلاً عواملی چون محیط خانواده، معاشرت، تقوا و ایمان و... سبب آرامش روح انسان خواهد شد.

۵. لذت اخلاق

درد و رنج ناشی از سوء تدبیر در امور ارزشی و اخلاقی، بیشتر از هر کس برای خود فرد رنج‌آور است و بر عکس، تخلّق به مکارم و ارزشها بیشتر از هر کس برای خود فرد لذتبخش است. لذت از واژه‌هایی است که بسیار تحلیل و ارزیابی شده است. لذت در زندگی، نقش اساسی ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که برخی به طور کلی تمام تلاشهای انسان را برای تأمین لذت و دوری از الم دانسته‌اند.

«بسیاری از فلاسفه که درباره ماهیت و طبیعت آدمی بحث می‌کنند، معتقدند که هدف نهایی زندگی، لذت است و همه فعالیت‌های آدمی، برای تعقیب لذت و اجتناب از درد است» (مان، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۳). جرمی بنتام، فیلسوف انگلیسی می‌گوید: طبیعت، انسان را تحت سلطه دو خداوندگار قرار داده است: لذت و الم. اینان بر همه اعمال و اقوال و اندیشه‌های ما حاکم‌اند. هر کوششی که برای شکستن این یوغ به خرج دهیم، حاکمیت آنها را بیشتر تأیید و تسجیل می‌کند. (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۸: ۲۴)

و بر همین اساس روان‌شناسان می‌گویند: «اصولاً انگیزه هر عمل آگاهانه‌ای، لذت خواهد بود» (مصباح، بی‌تا: ۱۲۴). گرچه برخی چنان در وادی لذت‌های مادی چهار اسبه تاخته‌اند که باعث شده تعبیر «لذت‌گرایی» بار منفی پیدا کند، ولی اساساً «لذت» یکی از ارکان زندگی بشر به شمار می‌رود. لذت ارزش ذاتی دارد؛ یعنی اگر از انسان سؤال شود که چرا در صدد لذت هستی؛ در جواب خواهد گفت: چون انسان هستم! با این وصف، «دیدگاه امثال شوپنهاور و عرفان زهدمحور که مبلغ لذت ترک لذت است، نه تنها بدبینانه، که سیاه و غیر واقعی است. لذت فی حد ذاته نه تنها چیز بدی نیست، بلکه به گواهی هر عقل سلیمی، موجب کاهش آزار انسانها نسبت به یکدیگر می‌شود. اگر لذت فی حد ذاته امر قبیحی بود، خداوند وعده لذت‌های رنگارنگ دنیوی و حور و غلمان و شراب طهور را به مؤمنان بهشتی نمی‌داد» (مروّتی، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

یک) تعریف لذت

تعاریف گوناگونی از لذت و الم شده است. از دیدگاه حکما، «لذت» عبارت است از ادراک ملائم از آن جهت که ملائم است و «الم» عبارت است از ادراک ناملائم از آن جهت که ناملائم است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۸۷). بوعلی سینا با ظرافت بیشتری تعریف لذت را مطرح کرده و می‌نویسد: لذت، ادراک و رسیدن به چیزی است که در نزد ادراک‌کننده، کمال و خیر است و الم، ادراک و رسیدن به چیزی است که در نزد ادراک‌کننده، آفت و شر به شمار می‌رود. (ابن سینا، ۱۳۷۹، ج ۳: ۳۳۴)

همان‌گونه که روح بر جسم برتری و مزیت دارد، لذات معنوی و روحانی نیز قوی‌تر از لذات حسی و دیرپاتر است. شیخ الرئیس، پس از تحلیل و تقسیم لذت به حسی و غیر حسی، می‌فرماید: «فقد بان ان اللذات الباطنه مستعلیه علی اللذات الحسیه»؛ روشن شد که لذت‌های باطنی نسبت به لذت‌های حسی برتر بوده و بر آن غالب است (همان). صدرا نیز قائل به تشکیک در لذت بوده و می‌نویسد: «آنچه وجودش قوی‌تر و مطلوبش لازم‌تر و بادوام‌تر باشد، لذتش نیز شدیدتر خواهد بود» (صدرا، ۱۳۴۶: ۲۹۶). برای صاحبان کمال، لذات باطنی برتر بوده و بر لذات حسی غالب خواهد بود. لذت عبادت و پرستش خدا برای مردم عارف حق‌پرست، از این‌گونه لذات است. عابدان عارف که عبادتشان توأم با حضور و خضوع و استغراق است، بالاترین لذتها را از عبادت می‌برند. شهید مطهری نیز می‌گوید: لذت معنوی، آنگاه مضاعف می‌شود که کارهایی از قبیل کسب علم، احسان، خدمت، موفقیت و پیروزی، از حس دینی ناشی شود و برای خدا انجام شود. (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۴)

دو) ضرورت لذت

همچنان که کار و کوشش و عشق و پرستش از ارکان زندگی انسان است، سرور و شادی نیز برای زندگی انسان، ضروری و کارساز است. روح و روان انسان نیاز به سرور و شادی دارد تا از رخوت و سستی و خمودی و کسالت درآید. امیر مؤمنان(ع) می‌فرماید: زندگی یک موحد تمام‌عیار، سه قسمت می‌شود؛ قسمتی مربوط به عشق و پرستش است و قسمتی کار و تلاش برای تأمین زندگی اقتصادی و قسمتی برای سرور و شادی. (نهج‌البلاغه، قصار ۳۹۰)

در مناسبت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ»؛ قلب انسان دچار ملال و خستگی می‌شود که با پیگیری حکمت‌های ظریف و لطیف باید این افسردگی را برطرف کرد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۶). بنابر این، چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی، انسان جویای لذت و سرور است. ذات انسان از رفتار شایسته و اخلاق نیکو لذت می‌برد. از سوی دیگر، مکارم اخلاق با روح و جان ما آگین شده و به روح ما جمال می‌بخشد و انسان پویای این جمال است. چقدر لذتبخش است هنگامی که انسان به جای ابراز خشم و غضب، جرعه غیظ خود را فرو برد و حلم و شکیبایی و مدارا و گذشت را شعار خویش سازد.

حضرت علی(ع) که خود اسوه اخلاق و کرامت‌های انسانی است، فرزند برومندش امام مجتبی(ع) را اینگونه ارشاد می‌فرماید: «تَجَرَّعَ الْغِیْظَ فَانِي لِمَ ارْجِعُهُ اَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَهُ وَلَا اِلْذَ مَغْبَهُ»؛ فرزندم! غیظ خود را به هر کیفیت ممکن فرو ببر که من هیچ جرعه‌ای را شیرین‌تر و هیچ طعمی را گواراتر از آن نیافتم! (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) و در نگرش دیگری، لذت اخلاق و کرامت انسانی را اینگونه تنبیه می‌بخشد: گرچه انسان لثیم و پست فقط از خوردن طعام لذت می‌برد، ولی افراد با کرامت از اطعام و نیکی به دیگران لذت می‌برند: «لَذَّةُ الْكَرَامِ فِي الْإِطْعَامِ وَ لَذَّةُ اللَّئَامِ فِي الطَّعَامِ». (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۳۲)

انسان سرگشته در منجلاب گناه که به عیش و نوش دل بسته و غرق در رذایل و ذلت است، نه از اخلاق نیک لذت می‌برد و نه از ارشاد و مواعظ شیرین اخلاقی بهره‌مند می‌شود: «كَيْفَ يَتَنَفَّعُ بِالنَّصِيحَةِ مَنْ يَلْتَدُّ بِالْفُضِيحَةِ!»؛ چگونه از ارشاد و مواعظ اخلاقی نفع برده و لذت می‌برد کسی که از رسوایی و فضاحت گناه خوشحال بوده و احساس غرور می‌کند! (نهج‌البلاغه، ۲۲۶). چه بحرانی از این فاجعه‌بارتر که انسانی که می‌تواند بی‌نهایت صعود داشته باشد، به جایی برسد که هویت انسانی خویش را از دست داده و از غرق شدن در گناه لذت ببرد.

حضرت علی (ع) در خطبه «وسیله» چنین می‌فرمایند: «لَيْسَ فِي الْبَرْقِ الْخَاطِفِ مُسْتَمْتَعٌ لِمَنْ يَخْوُضُ فِي الظُّلْمَةِ»؛ چگونه در برق پرنور بهره و نصیبی باشد برای کسی که در تاریکی و ظلمت غوطه‌ور شده است؟ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۳). به راستی این‌گونه افراد، در نتیجهٔ رام نکردن نفس سرکش و غوطه‌ور بودن در تاریکی گناه، تبدیل به بیمار دلانی شده‌اند که از مسیر فطرت منحرف شده و در صورتی که بخواهند هویت انسانی خویش را بازیابند، باید در صدد معالجهٔ خویش برآیند.

از آنچه گفته شد به دست می‌آید که اخلاق نیک و زیبا، ندای فطرت انسان بوده و لذتبخش خواهد بود. نکتهٔ دیگر اینکه، فضایل و کرامت‌های اخلاقی، لذت فعال و انفعالی است. قلب انسان را جلا داده و جان را جمال می‌بخشد، که هم خود انسان لذت می‌برد و هم هر بینندهٔ دیگری از آن لذت برده و تحسین می‌کند. همچنین مدارا و ملایمت با دیگران، آنچنان شیرین و گواراست که هرگز انسان از حلاوت آن سیر نمی‌شود.

۶. عزّت و سرافرازی در پرتو اخلاق

از دیگر جلوه‌های مکارم و زیبایی‌های اخلاق، عزّت و سرافرازی است. احساس ارزشمندی یا عزّت نفس، نیاز فطری انسان است. عزّت نفس از اصلی‌ترین عوامل رشد شخصیت و از جمله مفاهیمی است که در چند دههٔ اخیر مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی قرار گرفته است.

عزّت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن. این حس از مجموع افکار، احساسات، عواطف و تجربیات انسان در طول زندگی ناشی می‌شود. می‌اندیشیم که فردی باهوش یا کودن هستیم؛ احساس می‌کنیم که شخصی خوب یا بد هستیم؛ خود را دوست داریم یا نداریم. مجموعهٔ هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه‌ای که از خویش داریم، باعث می‌شود که نسبت به خود، احساس خوشایند ارزشمند بودن یا بر عکس، احساس ناخوشایند بی‌کفایتی داشته باشیم. عزّت نفس، هستهٔ مرکزی جنبه‌های روان‌شناختی آدمی است که او را از اضطراب محافظت کرده و نسبت به آسیب‌پذیری و فناپذیری آگاه می‌کند. (کلمزو، ۱۳۷۶: ۲۳۱)

به اعتقاد روان‌شناسان، شخصیتی که از عزّت نفس بالایی برخوردار است، خود را به گونه‌ای مثبت ارزشیابی کرده، برخورد مناسبی با نظریات مثبت خود و دیگران دارد. اما در مقابل، کسی که عزّت نفس پایینی دارد، اغلب نوعی نگرش مثبت تصنعی نسبت به جهان پیرامون خود دارد. «آبراهام مزلو» روان‌شناس معروف نیز در کنار نیازهای جسمانی، نیازهای

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۳۱

ایمنی، نیاز به عشق و محبت، تعلق به دیگران و نیاز به احترام و شأن اجتماعی را مطرح کرده است. او می‌گوید: تمام افراد در جامعه ما، میل یا نیاز به عزت نفس یا احترام به خود یا احترام به دیگران را دارند. آنان نیازمند آن‌اند که خویشان را ارزشمند ببینند و این ارزشمندی بر پایه محکم و استواری بنا شده باشد. زمانی که این نیازها ارضا شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت و اطمینان می‌کند و چنانچه این نیازها برآورده نشوند، فرد احساس حقارت، درماندگی، دلسردی و ناامیدی می‌کند. (مزلو، ۱۳۷۶: ۲۱۴)

آنچه ذکر شد، عوامل بحرانهای روحی و روانی‌اند و می‌توانند نتایج رنج‌آوری برای فرد و جامعه به همراه داشته باشند. عزت نفس، یعنی نیاز به قدرشناسی خود و مورد قدرشناسی دیگران قرار گرفتن. فرد احتیاج دارد تا در خانه، اجتماع و محل کار، مورد احترام دیگران واقع شود و خود نیز تصور مثبت از خویشان داشته باشد. «من کان یرید العزه فله العزه جمیعا الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه» (فاطر: ۱۰)؛ هر که عزت بخواهد؛ باید بداند که عزت، همگی از آن خداوند است (و باید آن را از ساحت الهی جستجو کند). سخن پاک به سوی او بالا می‌رود و کردار نیکو آن را فرا می‌برد. آیه مزبور را به هر صورت تفسیر کنیم، به اجماع مرکب، این نکته از آن استنباط می‌شود که: صفات بارز اخلاق و رفتار شایسته، انسان را رفعت شأن و عزت و سرافرازی می‌بخشد.

دو معیار در شکل‌گیری شخصیت انسان، بارز و شاخص است؛ یکی «عقل» و خرد در بعد ادراکی و دیگری، «قلب» پاک توأم با اخلاق نیک در بعد احساسی و گرایشی. از این رو، مولی‌الکونین، علی(ع) می‌فرماید: «عُنَوَانُ فَضِيلَةِ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ حُسْنُ خُلُقِهِ»؛ سرلوحه شخصیت انسان به میزان عقل و خرد و اخلاق زیبای اوست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۰). «فان فوزا بهذه الخصال شرف مکارم الدنيا و درک فضائل الاخره». (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۸۲، خطبه ۱۴۱)

اخلاق، مهم‌ترین عامل شرافت و سرافرازی انسان است. هیچ یک از عوامل سرافرازی و شرافت، از قبیل علم، هنر، ثروت، شرافت نسبی، شهرت و جایگاه اجتماعی انسان، به پای مکارم اخلاق و خصلتهای نیک انسانی نمی‌رسند. چه بسا انسانی که از نظر حسب و نسب و موقعیت اجتماعی، رتبه والایی نداشته، ولی با کرائم اخلاق، صعود کرد و به عزت و سرافرازی نایل شده است: «کم من وضع رفعة حسن خلقه»؛ چه بسا انسانی که از جهات دیگر در رتبه اجتماعی، عقب بود؛ ولی با زیبایی اخلاق، رفعت شأن پیدا کرد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۵). در بیان دیگری چنین فرمودند: «رب عزیز اذله خلقه، و رب ذلیل اعزه خلقه»؛ چه

بسا عزیزی که اخلاق ناشایست او را ذلیل ساخت و چه بسا ذیلی که اخلاق زیبا او را به عزت و سرافرازی رسانید (مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۰). در عنوان دیگری، حضرت علی (ع) محبوبیت اجتماعی و شرافت نفسانی را در پرتو انوار مکارم اخلاق جستجو می‌کنند: «عود نفسک فعل المکارم و تحمل اعباء المغارم، تشرف نفسک و تعمّر آخرتک و یکثر حامدوک»؛ خویشتن را به انجام مکارم اخلاق و زبدگی‌های فضایل انسانی عادت بده و سختی‌های آن را تحمل کن که با این وصف، افزون بر شرافت نفسانی، آخرت خویش را نیز رونق بخشیده‌ای و تجلیل کنندگان از تو فراوان خواهند شد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۱). در بیان دیگری، حضرتش اوج گرفته و با هیبت می‌فرماید: «ما اعظم فوز من اقتفی اثر النبیین»؛ چه بزرگ و بلند پایه است رستگاری و سرافرازی کسانی که دست در دست انبیا نهاده و فرامین آنان را پی گرفتند و شکی نیست که انبیای الهی در راستای اخلاق و مکارم انسانیت به پا خاستند. «انما بعثت لاتمّم مکارم الاخلاق» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۱).

در تمام این فرمایشات ملاحظه می‌شود که حضرت چگونه نحوه مدیریت خود و نفس سرکش را در مواردی که منجر به ذلت می‌شود، ترسیم می‌فرمایند و همچنین انسان را متوجه می‌کنند که کرامت‌های اخلاقی، سوابق درخشان می‌آفریند؛ سوابقی که زمینه‌های رشد و تعالی را فراهم می‌کند.

حضرت ابراهیم (ع) از ساحت احدیت تمنای نیکنامی می‌کند: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعراء: ۸۴)؛ خداوند! نیکنامی در آیندگان را نصیب من فرما! و شکی نیست که این تمنا صرف آرزو و گزاف نیست. در واقع؛ حضرت ابراهیم (ع) از خدای تبارک و تعالی چنان صفات برجسته‌ای را تمنا می‌کند که برای انسان، شرافت و سرافرازی در دوران حیات و نیکنامی در قرون و اعصار را رقم بزند.

آلوسی در تفسیر خود می‌نویسد: برای من ذکر صادقی در جمیع امور قرار بده؛ بدین سان که صیت و وصف جمیل مرا در دنیا مخلّد گرداند. البته این امر به توفیق آثار نیک و سنت‌های مورد رضایت خدای سبحان میسر خواهد بود؛ به گونه‌ای که مردم او را قبله خود قرار داده و به او اقتدا کنند و با این وصف، او را با ذکر جمیل یاد کنند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۹۷). خداوند نیز این دعای حضرت ابراهیم (ع) را به اجابت رسانده و می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» (مریم: ۵۰)؛ ما برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، ذکر خیر و لسان صدق برجسته و والایی قرار دادیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۶۲)

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۳۳

سرور فرهیختگان، علی(ع) کسانی را که به دنبال سازوکار هیبت، هویت متعالی، ارتباط گسترده و ارادتمندان فراوانند، اینگونه ارشاد کرده و سکوت را زمینه‌ساز هیبت، انصاف را مایه پیوند و گستردگی پیوست افراد دانسته؛ بخشش را سرمنشأ منزلت، و جاهت و تواضع را مایه اتمام نعمت و تحمل سختی‌ها را رهیافت به بزرگی و شرافت معرفی می‌فرمایند: «بکثرة الصمت تكون الهیبه و بالنصفه یكثر المواصلون، و بالافضال تعظم الاقدار و بالتواضع تتم النعمة و باحتمال المؤمن یجب السوود» (نهج البلاغه، قصار ۲۲۴). طبیعتاً نقطه مقابل اموری که حضرت فرمودند، عبارتند از: زیاده‌گویی‌های نابجا، بی‌انصافی در امور مختلف، عدم بخشش، تکبر و تحمل نکردن سختی‌ها، که هر کدام به نوبه خود فرد را از ارزشهای انسانی دور کرده و گرفتاری‌های اخلاقی متعددی برای او ایجاد خواهند کرد. آنچه امام بیان فرمودند، مدیریت قلب و باطن به منظور سرافرازی و متعالی شدن است.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که گرچه شرافت نسبی را نمی‌توان نادیده گرفت، ولی مکارم اخلاق فراتر از حسب و نسب در شخصیت انسان، نقش آفرین خواهد بود و نیز اینکه، معیار سرافرازی و نیکنامی، رفتار شایسته و اخلاق نیکوی انسان است که چه بسا او را از حضيض چاه، به اوج جاه می‌رساند. نکته دیگر این است که «عقل»، نیروی ادراکی و «قلب»، کانون عاطفی انسان است؛ اگر این دو سرمایه بزرگ انسانی دوشادوش هم رشد و شکوفایی پیدا کنند و به درستی مدیریت شوند، بی‌شک سرافرازی و عزت انسان را رقم خواهند زد.

موارد زیادی در خصوص موضوع، قابل بحث و بررسی است که گستره آن در این مقال نمی‌گنجد. امید است محققان دیگر، افقهای دیگری را در این راستا بنگرند.

ج) نتیجه‌گیری

با توجه به رهنمودهای مولای متقیان، علی(ع)، در فرایند و بازتاب ارزشهای انسانی در پرتو مدیریت بحرانهای معنوی و اخلاقی، نکات ذیل به عنوان نتیجه در این نوشتار انعکاس می‌یابد.

۱. بحران، پیشامدی است که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد. در صورتی که نظم اجتماعی با تهدید مواجه شود، چنین وضعیتی بحران اخلاقی است و تنها با مدیریت صحیح و حسن تدبیر این بحرانها، می‌توان ارزشهای انسانی و الهی را به منصه ظهور رساند.

۲. بر اساس کلام امام علی (ع)، این نکات در راستای موضوع به دست می‌آید: اخلاق، شاکله درونی هر انسان است و بر خلاف شکل ظاهر، با اراده و اختیار انسان، شکل می‌پذیرد.
۳. عقل و قلب، ادراک و عواطف، دو اهرم نیرومند در راستای تعالی شخصیت انسان به شمار می‌روند. در صورتی که به درستی و در مسیر صحیح به کار گرفته نشوند، می‌توانند انسان را به حضیض ذلت بکشانند.
۴. مجالست و القاءات دیداری، گفتاری و نوشتاری به گونه مرموزی قلب انسان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.
۵. محبوبیت و سرافرازی اجتماعی، خواسته فطری هر انسانی است و مهم‌ترین عامل در این عرصه، اخلاق زیبا و رفتار نیک به شمار می‌رود و نقطه مقابل آن، بحرانها و ناهنجاری‌های اخلاقی است که موجب سرافکندگی و دور شدن از انسانیت است و تخلّق به فضایل می‌تواند در پیشگیری از این ناهنجاری‌ها مؤثر باشد.
۶. یکی از اقدامات در مهار نفس این است که انسان باید اخلاق شایسته را به هر نحو ممکن، بر خود تحمیل و مدیریت کند؛ وگرنه نفس انسان سرکشی کرده، عنان خود را از کف انسان می‌رباید.
۷. اراده انسان، بسیار تواناست؛ به گونه‌ای که انسان می‌تواند با عزمی راسخ و استوار، به مصاف بحران هوی و هوس رفته، بر تمایلات و بی‌نظمی در رفتار خویش فائق آید.
۸. ارشاد و نصایح خیرخواهانه، دل را جلا بخشیده و خواه ناخواه، بر قلب انسان تأثیر خواهد گذاشت.
۹. از افراد عبوس و منفی‌گرا کاری ساخته نیست. افرادی در اجتماع می‌توانند کارآمد و سرنوشت‌ساز باشند که مثبت‌گرا بوده، با دیگران انس و الفت برقرار کنند.
۱۰. دوستان ارجمند و باشخصیت، برای هر کس در زندگی، سرمایه بزرگی است و یکی از نتایج درخشان اخلاق شایسته و ناصحانه، جذب این گونه دوستان خواهد بود.
۱۱. اخلاق نیک و شایسته، اکسیر احمر است و گنج گرانسنگ انسان، چه در دنیا و چه در سرای آخرت خواهد بود.

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) ♦ ۳۵

۱۲. از فرایندها و تجلیات بارز اخلاق، آرامش و آسایش خاطر در زندگی است. آنچه از فرمایش امام قابل درک است، این است که بحرانهای دوری، خشکی، درشتی، جرم و خلاف و برخورد نابجا با این خصلتها، آرامش را از فرد و جامعه می‌ستانند و بر اهل فن پوشیده نیست که واکنش حکیمانه و حسن تدبیر در این امور، چه نقش زیبایی ایفا می‌کند.

۱۳. لذت در زندگی انسان، ارزش ذاتی دارد و لذت‌های معنوی نسبت به لذت‌های محسوس، ژرف‌تر و پایدارتر است. با عنایت به این نکته، تجلیات اخلاق زمینه‌ساز لذت‌های باطنی و معنوی انسان است.

۱۴. برخی از دخمه تیره و متعفن فساد اخلاق و بحران رفتارهای شکننده، لذت می‌برند؛ که در این صورت، از طراوت فراخنای سخنان ناصحانه و تعالی اخلاق، منزجر خواهند بود.

۱۵. جاذبه‌های مدیریت بحرانها در بحث کرامت اخلاق، انسان را به اوج جاه می‌رساند و دافعه‌های اخلاق ناروا، انسان را گرچه در اوج جاه باشد، به حضيض ذلت می‌کشاند.

۱۶. افرادی که در بحرانهای اخلاقی گرفتارند و متخلق به رذایل می‌شوند، همچون غباری بر آئینه صاف، زشتی اخلاق را نمایان‌تر ساخته، لبه شمشیر ملامت و سرزنش را تیزتر خواهد کرد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. شریف رضی (۱۴۰۴ ق). قم: جامعه مدرسین.
- آفاجمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن سینا، حسین (۱۳۷۹). اشارات و تنبیهات. تهران: دفتر نشر کتاب.
- ابن میثم بحرانی، کمال الدین (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بورک، رابرت اچ (۱۳۸۳). در سراسیمه به سوی گومورا. ترجمه الهه هاشمی حائری. تهران: حکمت.
- بیات، فریرز و همکاران (۱۳۹۹). «بحران اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن». مسائل اجتماعی ایران، ش ۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حافظ، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۷۲). دیوان حافظ. تهران: پیام عدالت.
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. تصحیح غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- حسینی، حسین (۱۳۸۵). «مدیریت احساس امنیت در جامعه». امنیت، سال پنجم، ش ۲.
- خیراللهی، زهرا (۱۳۹۳). «نظام تربیت اخلاقی در نهج البلاغه». پژوهشهای نهج البلاغه، سال سیزدهم، ش ۴۰.
- شیو، خرا (۱۳۹۰). چگونه می توانیم موفق شویم. ترجمه مولایی. تهران: کاکتوس.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- غیائی، تقی (۱۳۹۷). «بازجست ساحت های وجودی انسان از منظر نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه، ش ۲۲.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۸). تاریخ فلسفه. ترجمه خرمشاهی. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- کارل، الکسیس (۱۳۴۴). راه و رسم زندگی. تهران: چاپخانه ایران، چ سوم.
- کلمزو، کلارک (۱۳۷۶). عزت نفس چیست؟. ترجمه علیپور. تهران: مؤسسه تحقیقاتی ایران زمین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). اصول کافی. تهران: اسلامیه.
- مان، نرمان ل (۱۳۵۲). اصول روان شناسی. ترجمه دکتر محمود ساعتچی. تهران: امیرکبیر.

نگرشی بر مدیریت بحران اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع) ♦ ۳۷

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). **مرآة العقول**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مروّتی، محمد امین (۱۳۹۷). **من فکر می‌کنم؛ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی لذت**. تهران: چشمه.
- مزلو، آبراهام (۱۳۷۶). **انگیزش و شخصیت**. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- مصباح، محمد تقی (بی‌تا). «**لذت طلب و سعادت خواهی**». سایت اندیشه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). **مجموعه آثار**. قم: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). **الارشاد**. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مک‌کارتی، شاون (۱۳۸۱). **نقش اطلاعات در مدیریت بحران**. ترجمه محمدرضا تاجیک. تهران: فرهنگ گفتمان.
- ملا صدرا، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی (۱۳۴۶). **شواهد الربوبیه**. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۹). **مثنوی معنوی**. تهران: اسلامی.
- **Holy Quran.**
- **Nahj al-Balagha.** Sharif Razi (1983). Qom: Modaresin community
- Agha Jamal Khansari, Mohammad bin Hossein (1987). **Explanation of Gharral Al-Hukam and Al-Kalam.** Tehran: University of Tehran.
- Alousi, Seyyed Mahmoud (1994). **Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem.** Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Bayat, Fariborz et al. (2020). “**Moral crisis and factors affecting it**”. *Iranian Social Issues Quarterly*, No. 1.
- Bork, Robert H. (2004). **Slouching Towards Gomorrah.** Translated by Elaha Hashemi Haeri. Tehran: Hekmat Publications.
- Copleston, Frederick (2009). **History of Philosophy.** Translated by Khorramshahi. Tehran: Scientific and Cultural Company.
- Ghiyasi, Taghi (2018). “**Re-searching human existence areas from the perspective of Nahj al-Balagheh**”. *Nahj al-Balagheh Research Journal*, No. 22.
- Hafez, Khwaja Shamsuddin Mohammad (1993). **Diwan Hafez.** Tehran: Payam Adalat Publications.
- Harrani, Hassan bin Ali (1984). **Tohf al-Aqool.** revised by: Ghafari. Qom: Jamiat Modaresin.
- Hosseini, Hossein (2006). “**Article on the management of the sense of self in society**”. *Security Quarterly*, 5th year, No. 2.
- Ibn Maitham Bahrani, Kamal al-Din (1983). **Explanation of Nahj al-Balagha.** Qom: Tablighat Office.

- Ibn Sina, Hossein (2000). **Hints and Warnings**. Tehran: Book publishing office.
- Kalamzo, Clark (1997). **What is self-esteem?** Translated by Alipour. Tehran: Iran Zemin Research Institute
- Karl, Alexis (1965). **Way to draw life**. 3rd edition. Tehran: Iran printing house.
- Khairollahi, Zahra (2014). “**Moral education system in Nahj al-Balagheh**”. *Nahj al-Balagheh Research Quarterly*, 13th year, No. 40.
- Kolini, Mohammad bin Yaqub (1987). **Osoul Kafi**. Tehran: Islamia.
- Majlisi, Mohammad Baqer (1983). **Miraya al-Aqool**. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Makarem Shirazi, Nasser (1995). **Tafseer Nemuneh**. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Mann, Norman L. (1973). **Principles of Psychology**. Translated by Dr. Mahmoud Saatchi. Tehran: Amir Kabir.
- Maslow, Abraham (1997). **Motivation and personality**. Translated by Ahmed Razvani. published by Astan Quds Razi Islamic Research Foundation.
- Maulavi, Jalaluddin Mohammad (2000). **Masnavi Manavi**. Tehran: Islamic Publications
- McCarthy, Shawn (2002). **The Role of Information in Crisis Management**. Translated by Mohammad Reza Tajik. Tehran: Farhang Gatman Publications
- Misbah, Mohammad Taqi (No Date). “**Pleasure-seeking and happiness-seeking**”. Andishe Qom site.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad (1992). **Al-Ershad**. Qom: Sheikh Mofid Congress.
- Molla Sadra, Mohammad Bin Ibrahim Sadr al-Din Shirazi (1967). **The evidence of God**. Mashhad: University of Mashhad.
- Morovati, Mohammad Amin (2018). **I think, Sociology and Psychology of Pleasure**. Tehran: Cheshme Publishing House.
- Motahari, Morteza (2012). **Collection of works**. Qom: Sadra.
- Shiv, Khora (2011). **How can we succeed**. Translated by Moulai. Tehran: Cactus Publishing.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1991). **Makaram al-Akhlaq**. Qom: Sharif Razi.
- Tamimi Amadi, Abdul Waheed ibn Mohammad (1987). **Gharar al-Hakam and Darr al-Kalam**. Qom: Islamic Propaganda Office.
- Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1996). **Majma Al-Bahrin**. Tehran: Mortazavi Publishing House.